

## صحنه‌های هولناک هرگز از ذهنم پاک نمی‌شود

جواد کاظم‌پور و سعید نامی دو نفر از کارکنانی هستند که روز انفجار در محل کار خود در اسکله حضور داشتند. از حسین یاوری ۴۰ ساله که از بستگان نزدیک کاظم‌پور و نامی و از کارکنان اسکله است، در مورد روز حادثه می‌پرسیم. او می‌گوید: «جواد برادر همسر و سعید پسرخاله‌ام است. جواد ۳۹ ساله و ۱۶ سال بود که در اسکله کار می‌کرد. سعید هم ۱۰ سال می‌شد که در اسکله مشغول به کار شده بود. روز حادثه سعید و جواد در همان محلی حضور داشتند که متأسفانه انفجار شدید رخ داد. شدت حادثه به اندازه‌ای بود که هرکاری می‌کردی نمی‌توانستی خودت را نجات بدهی. زمانی که انفجار اتفاق افتاد در شیف‌ت کاری‌ام بودم و با محل حادثه یک کیلومتر فاصله داشتم. شدت آن چیزی شبیه به یک زمین لرزه شدید بود. چون با محل فاصله زیادی داشتم، آسیبی ندیدم. تا قبل از مشاهده حادثه از نزدیک اصلاً فکر نمی‌کردم شدتش تا این حد بزرگ باشد. با خودم این‌طور فکر می‌کردم که یک انفجار بوده و شاید در نهایت دست و پای چند نفر شکسته باشد؛ برویم کمک کنیم و مجروحان را به بیرون منتقل کنیم، اما به محل حادثه که رسیدم، تازه متوجه عمق اتفاق شدم. شدت حرارت محل انفجار به حدی بود که حتی با لباس آتش‌نشانی هم نمی‌شد به آن نزدیک شد چه برسد به افرادی مثل من که هیچ تجهیزات ایمنی همراه نداشتیم. وقتی به حوالی محل انفجار رسیدم، نمی‌شد داخل رفت و زمان زیادی برد تا افراد دیگر خودشان را به محل حادثه برسانند. سعید و جواد عزیزان من بودند و در آن شرایط به این فکر می‌کردم که خبری از آنها بگیرم و به خودم و خطراتی که ممکن بود تهدیدم کند، فکر نمی‌کردم. یک نفر گفت تعدادی جسد آورده‌اند و برای شناسایی برویم که ما هم می‌رفتیم. هر روز که جسد می‌آوردند، ما هم برای شناسایی می‌رفتیم. در این مدت زمین به دلیل شدت انفجار هنوز داغ بود به طوری که کف پاهایم تاول زده بود. یک روز که خبر دادند دوباره پیکری پیدا شده است، برای شناسایی به سردخانه رفتیم. یکی از اجساد متعلق به جواد بود که از روی انگشترها و کفش‌هایی که پوشیده بود، توانستم او را شناسایی کنم و بعد از ۳۵ ساعت پیدا شد. جواد هم دچار سوختگی شده بود، اما نه به حدی که قابل شناسایی نباشد.» صدای یاوری پر از غم و اندوه است و با درد زیادی در مورد کاظم‌پور و نامی صحبت می‌کند: «سعید هم ابتدا مفقود بود، اما پس از مدتی پیکر او هم پیدا و شناسایی شد. سعید ۳۳ ساله، راننده لیفتراک بود و یک ماه می‌شد که ازدواج کرده بود. جواد هم دو فرزند ۱۰ و دو ساله داشت. درحال حاضر آتش مهار شده و امدادگران به دنبال پیکرها هستند. بعضی قابل شناسایی هستند، اما بعضی دیگر از شدت سوختگی قابل شناسایی نبوده و باید از بازماندگان آزمایش دی‌ان‌ای گرفته شده تا پیکرها شناسایی شود. در مورد بحث دیه هم به دلیل وخامت اوضاع و حال بد روحی و جسمی هیچ یک از ما اصلاً به این موضوع فکر نمی‌کنیم. خود من درگیر افسردگی حاد شده‌ام و صحنه‌های هولناکی که به چشم دیدم هرگز از ذهنم پاک نمی‌شود.»

و خانواده قربانیان حادثه  
و عملیات جست‌وجوی مفقودان

بازار  
بندر